

اصول و روشهای تربیت اجتماعی

مبتنی بر سه رویکرد

جامعه‌شناختی کلان‌نگر، خردنگر و تلفیقی

● دکتر ادريس اسلامي^۱ ● دکتر آزاد محمدي^۲ ● دکتر نجمه احمدآبادي آراني^۳ ● دکتر حسن رشيدی^۴

چکیده:

هدف پژوهش حاضر، بررسی و شناسایی اصول و روشهای تربیت اجتماعی مبتنی بر سه رویکرد جامعه‌شناختی کلان‌نگر، خردنگر و تلفیقی است. برای دستیابی به این هدف، از روش قیاس عملی بازسازی‌شده فرانکنا استفاده شده است. در این روش، برای استنتاج اصول تربیت اجتماعی هر سه رویکرد، از ترکیب دو مقدمه اهداف غایی تربیت اجتماعی و گزاره‌های واقع‌نگر توصیفی رویکردهای سه‌گانه و برای استنتاج روشهای تربیت اجتماعی هر سه رویکرد، از ترکیب دو مقدمه اصول تربیت اجتماعی و گزاره‌های واقع‌نگر توصیفی روش‌شناختی رویکردهای سه‌گانه استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که اصولی چون همکاری و مشارکت جمعی در فعالیتهای تربیتی، ایجاد فرصتهای برابر برای همه دانش‌آموزان و تقویت روح همنوایی و همدردی با اعضای جامعه و روشهایی مانند کاوشگری گروهی و گفت‌وگو بر مبنای رویکرد کلان‌نگر، اصولی چون پرورش هویت فردی دانش‌آموزان، توجه به آزادی کامل افراد در فرایند آموزش و پرورش و فراهم آوردن فرصت و زمینه‌هایی برای پرورش قدرت عقلانی و روشهایی مانند ابضاح ارزش‌ها و روش پروژه بر مبنای رویکرد خردنگر و اصولی چون شناخت و توجه به علایق و نیازهای فراگیران و فراهم آوردن زمینه ارتباط برای خلق هنجارهای اجتماعی و روشهایی مانند تعامل و مواجهه با سؤال بر مبنای رویکرد تلفیقی استنتاج شده‌اند.

کلید واژگان: تربیت اجتماعی، اصول تربیت اجتماعی، روشهای تربیت اجتماعی، رویکرد کلان‌نگر، رویکرد خردنگر، رویکرد تلفیقی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۳

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۲/۱۹

۱. نویسنده مسئول: دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مهاباد، مهاباد، ایران. Email: e.islami@iau-mahabad.ac.ir
۲. دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه تهران و مدرس دانشگاه فرهنگیان. Email: azadmohammadi67@ut.ac.ir
۳. دکتری فلسفه تعلیم و تربیت و آموزگار ابتدایی منطقه ۷ تهران، ایران. Email: najmeh.ahmadabadi@gmail.com
۴. دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه و دبیر آموزش و پرورش مهاباد، ایران. Email: hassanrashidy@gmail.com

مقدمه

تربیت اجتماعی^۱، یکی از ساحتهای مهم تربیتی است. نخستین شرط تربیت اجتماعی، ارتباط بادیگران و هدف آن خروج از حالت فردی به جمعی است (کاردان، ۱۳۷۴). اگرچه توجه به هدف تربیت اجتماعی، امری محوری است، اما راههای دستیابی به آن نیز بسیار مهم است. این نوع راهها، بیانگر پاسخ به پرسش چگونگی تربیت اجتماعی است. اصول و روشهای تربیتی، در هر ساحت تربیتی، از جمله تربیت اجتماعی، بهدستورالعملهای عام (اصول) و خاص (روشها) اشاره دارند که مجریان تربیتی با بهره‌گیری از آنها به‌سوی اهداف تربیتی جهت‌گیری پیدا می‌کنند (باقری، ۱۳۸۵). از سویی هم، اصول و روشهای تربیت اجتماعی بدون داشتن تصویری از ماهیت اجتماعی بودن انسان، قابل کشف و شناسایی نیستند (باقری، ۱۳۸۸). این امر نشان می‌دهد که کشف اصول و روشهای تربیت اجتماعی، درگرو توصیفهای جامعه‌شناختی در باب انسان یا مبانی جامعه‌شناختی است؛ یعنی، رویکردها و دیدگاههایی که در باب ویژگیهای اجتماعی بودن انسان، نظریه‌پردازی کرده‌اند.

مبانی جامعه‌شناختی تربیت اجتماعی را می‌توان به سه سطح کلان‌نگر، خردنگر و تلفیقی تقسیم کرد. بر مبنای سطح کلان، در شکل‌دهی به واقعیت اجتماعی افراد ساختارها و نهادهای اجتماعی نقش اصلی را ایفا می‌کنند. در مقابل، سطح کلان از نقش کنشگر و فرد غافل نبوده و چارچوبهای نظری مبتنی بر نقش بی‌بدیل سطوح خرد را بنانهاده‌اند. دسته سوم، نظریه‌پردازان تلفیقی‌اند که به نقش همزمان و بدون اولویت فرد و جامعه یا ساختار و کنشگر توجه کرده‌اند و معتقدند که واقعیت اجتماعی، زائیده تأثیر متقابل هر کدام از این دوگانه‌هاست (کرایب^۲، ۱۳۸۵؛ گیدنز^۳، ۱۳۸۴؛ ترنر و بیگلی^۴، ۱۳۸۴؛ ریتزر^۵، ۱۳۸۲). از آنجا که هر کدام از سطوح سه‌گانه، تصویری خاص درباره فرایند اجتماعی شدن آدمی دارند، تربیت اجتماعی مبتنی بر هر رویکرد درزمینه اصول و روشهای تربیت اجتماعی نیز خاص خواهد بود. از این رو، این سؤال اساسی مطرح می‌شود که اصول و روشهای تربیت اجتماعی مبتنی بر سه رویکرد کلان‌نگر، خردنگر و تلفیقی کدام‌اند؟

بیشتر پژوهشهایی که درزمینه تربیت اجتماعی انجام پذیرفته‌اند، اصول و روشهای تربیت اجتماعی را با توجه به مبانی دینی و روایی استنتاج کرده‌اند؛ برای مثال، بهشتی و افخمی اردکانی (۱۳۸۶) اصول تربیت اجتماعی را از نهج‌البلاغه، افخمی اردکانی (۱۳۸۶) روشهای تربیت اجتماعی را از نهج‌البلاغه، کربلایی پازوکی (۱۳۸۷) روشهای تربیت اجتماعی را از منظر ملامحسن فیض کاشانی و رضانی و حیدری (۱۳۹۱) اصول و روشهای تربیت اجتماعی را از قرآن و نهج‌البلاغه به‌دست آورده‌اند. باوجوداین، مطالعاتی نیز وجود دارند که اصول و روشهای تربیت اجتماعی را از مبانی جامعه‌شناختی استخراج

1. Social education
2. Craib
3. Giddens
4. Turner & Beeghley
5. Ritzer

کرده‌اند؛ مثلاً، محمدی و همکاران (۱۳۹۳) اصول و روشهای تربیت اجتماعی را از نظریه کنش ارتباطی هابرماس^۱ استنتاج کرده‌اند. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تعداد این نوع مطالعه‌ها محدود است و همانها نیز حوزه بررسی خود را به دیدگاه یک جامعه‌شناس محدود کرده‌اند و رویکردی فراگیر به دیدگاههای جامعه‌شناختی و بازتاب آن در اصول و روشهای تربیت اجتماعی نداشته‌اند. از دید این مطالعه، اگر کشف اصول و روشهای تربیت اجتماعی بر بنیان رویکردهای جامعه‌شناختی جامع و فراگیری استوار شود، اصول و روشهایی جامع و متنوع‌تر به دست می‌آید و این خلأ پژوهشی نیز برطرف می‌شود. گفتنی است که براساس ضرورت استنتاج اصول و روشهای تربیت اجتماعی بر مبنای رویکردهای کلان و متنوع جامعه‌شناختی و مغفول واقع شدن چنین امری، انجام دادن پژوهش حاضر، ضرورت و اهمیت پیدا می‌کند. از این رو، این پژوهش در پی آن است که با نظر به مبانی جامعه‌شناختی سه رویکرد کلان‌نگر، خرد و تلفیقی، اصول و روشهای تربیت اجتماعی هر کدام از آنها را کشف کند.

■ سؤالات پژوهش

۱. براساس رویکرد جامعه‌شناختی کلان‌نگر، اصول و روشهایی تربیت اجتماعی کدام‌اند؟
۲. براساس رویکرد جامعه‌شناختی خردنگر، اصول و روشهای تربیت اجتماعی کدام‌اند؟
۳. براساس رویکرد جامعه‌شناختی تلفیقی، اصول و روشهای تربیت اجتماعی کدام‌اند؟

■ پیشینه تجربی پژوهش

قاسمی و همکاران (۱۳۹۴) مطالعه‌ای را با عنوان «تربیت اجتماعی زیبایی‌شناسانه، پارادایمی بدیل برای نظام تربیت اجتماعی جزم‌گرا» انجام داده‌اند. روشهای این پژوهش، تحلیل مفهومی و استنتاجی است؛ با تکیه بر تحلیل مفهومی، معانی دو مفهوم جزم‌گرایی و زیبایی‌شناسی و تربیت مبتنی بر هر کدام مورد واکاوی قرار گرفته است و براساس روش دوم، مبنای هر دو رویکرد، تبیین شده، اصول و روشهای تربیت اجتماعی آنها استنتاج شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که در تربیت اجتماعی باید از جزم‌گرایی اجتناب و از تربیت اجتماعی زیبایی‌شناسانه و اصول و روشهای آن دفاع کرد. از این رو، اصول تربیت اجتماعی زیباشناسانه‌ای چون دآوری فارغ از تمنیات درونی، توجه به خرد جمعی، هماهنگی دو قوه حس و عقل و دیالکتیک درونی و برونی و روشهای تربیت اجتماعی چون پرسش و پاسخ هنری، مباحثه در باب آثار هنری یا خلق آنها، ایفای نقش برای درک واقعیات، گردش علمی در طبیعت و ایفای نقش برای صراحت درون استنتاج شده است.

پناهی (۱۳۹۵) مقاله‌ای با عنوان «تربیت اجتماعی با تأکید بر آموزه‌هایی تربیتی-روان‌شناختی» نگاشته است. روش این مطالعه، توصیفی-تحلیلی است. پس از شناسایی و استخراج مفاهیم اساسی

1. Habermas

از متون دینی، علوم تربیتی، علوم اجتماعی و روانشناسی، به تحلیل محتوای آنها پرداخته، روشها و راهبردهای تربیت اجتماعی مبتنی بر آنها بیان شده است. یافته‌های پژوهش نشانگر آن است که مهم‌ترین روشهای تربیت اجتماعی عبارت‌اند از آگاهی از محتوای تربیت اجتماعی، آگاهی از راهکارهای انتقال پیام، بهره‌گیری صحیح از روش یادگیری مشاهده‌ای، مدارا با متربی و

تانندی^۱ (۲۰۱۹) پژوهشی با عنوان «سهم تربیتی امیل دورکیم: سنجش کارکرد» انجام داده است. روش این پژوهش، اکتشافی^۲ است. این مطالعه براساس پژوهشهای ثانویه برگرفته از منابع مختلف، دیدگاه امیل دورکیم در باب جامعه‌شناسی آموزش و پرورش را تحلیل می‌کند، سپس سهم امیل دورکیم در این زمینه را مورد ارزشیابی قرار می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهند که باوجود اینکه به دیدگاه تربیتی دورکیم انتقادهایی وارد شده است، اما وی در عرصه تربیت سهمی بسزا دارد. براساس اندیشه دورکیم، تربیت در ایجاد نظم و تعادل و همبستگی و وحدت اجتماعی نقش بسیاری دارد. از دید تانندی، رویکرد دورکیم در دنیای امروز نیز کاربرد بسیار دارد.

رگمی^۳ (۲۰۲۰) مقاله‌ای با عنوان «مبانی اجتماعی یادگیری مادام‌العمر: رویکردی هابرماسی» ارائه داده است. روش این پژوهش، تحلیل انتقادی و تحلیل مفهومی است. ابتدا، به نقد مبانی روان‌شناختی یادگیری در دنیای معاصر پرداخته می‌شود، سپس ساختار سه‌گانه مفهوم زیست‌جهان هابرماس مورد تحلیل قرار می‌گیرد و بر مبنای آن، مفهوم‌سازی نوینی در باب یادگیری مادام‌العمر مطرح می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهند که مبانی یادگیری در روانشناسی معاصر، فردگرایانه است. از این رو، برای گذر از آن می‌توان باتکیه بر مؤلفه‌های سه‌گانه فرهنگ، جامعه و شخصیت زیست‌جهان هابرماس، مبنای نوینی برای یادگیری ارائه داد که در آن، نه تنها به جهان ذهنی توجه می‌شود بلکه جهان عینی و اجتماعی فرد نیز تقویت می‌شود. نویسنده بر این باور است در این چارچوب، یادگیری مادام‌العمر سه‌وجه خواهد داشت: یادگیری به‌مثابه بازآفرینی فرهنگ، یادگیری به‌مثابه تلفیق اجتماعی و یادگیری به‌مثابه جامعه‌پذیری.

■ مبانی نظری پژوهش

دیدگاههای جامعه‌شناسی را می‌توان در سه دسته کلان‌نگر، خُرد و تلفیقی طبقه‌بندی کرد. در رویکرد کلان‌نگر، مکاتبی چون کارکردگرایی ساختاری، مبنای موردنظر این مطالعه قرار می‌گیرد. در این مکتب، ساختار و نظام اجتماعی، هویت مستقل و متمایزی از افراد جامعه دارد و بر آنها تأثیر می‌گذارد. نظام اجتماعی دارای نهادهایی است که کارکردی معین برای فعالیت و بقای آن انجام می‌دهند. نظام اجتماعی دارای نوعی وحدت و همبستگی کارکردی است که به آن، هویت معینی بخشیده است

1. Tandi

2. Exploratory

3. Regmi

(لازارسفلد^۱، ۱۳۷۶). در ساختار اجتماعی، نظام ارتباطی مشترکی وجود دارد که افراد طی فراگرد اجتماعی شدن آن را فرا می‌گیرند (ریتزر، ۱۳۸۲). بر اساس این مکتب، نهاد تربیت، کارکردهایی ویژه برای حفظ و وحدت جامعه دارد. تربیت اجتماعی، عامل جامعه‌پذیری و تخصیص نیروی انسانی است. در جامعه‌پذیری، ارزشها و هنجارهای اجتماعی در دانش‌آموزان درونی می‌شود و در تخصیص نیروی انسانی، دانش‌آموزان، نقشهای اجتماعی خود و انتظارات جامعه را از آنها یاد می‌گیرند (میلر^۲، ۱۳۸۶).

رویکرد خُرد، به بررسی تعاملهای افراد در اجتماعهای خُرد می‌پردازد. کنش متقابل نمادین، یکی از مکاتب مهم این رویکرد و مبنای مطالعه حاضر است. بر اساس این مکتب، انسانها در کنش متقابل اجتماعی، معانی و نمادها را یاد می‌گیرند. انسانها می‌توانند معانی و نمادها را بر پایه تفسیرشان از موقعیت، تغییر دهند. این توانایی به آنها اجازه می‌دهد که راههای احتمالی کنش را بیازمایند و آنگاه راهی را برگزینند (ریتزر، ۱۳۸۲). بر اساس این مکتب، تربیت اجتماعی جز از طریق تعامل با همکلاسان و معلم به‌دست نخواهد آمد. علاوه بر این، کنش متقابل بر روشهای آموزشی نیز اثرگذار است. طرح روشهای آموزشی نوینی چون یادگیری مشارکتی، موجبات رشد علمی، شخصیتی و اجتماعی آنها را به دنبال دارد (ربانی و همکاران، ۱۳۸۸).

دیدگاه تلفیقی در تلاش است از کاستیهای هر دو رویکرد بالا گذر کند و نظریه‌ای جامع و پویا ارائه دهد. یکی از مهم‌ترین نظریه‌های این رویکرد، کنش ارتباطی هابرماس است که مبنای نظری این مطالعه است. نظریه کنش ارتباطی، مفاهیم ساختار و عاملیت را با پیوند زدن زیست‌جهان و نظام اجتماعی ترکیب می‌کند. زیست‌جهان به حوزه‌ای از رفتار اشاره دارد که در آن هماهنگی میان کنشگران و نظم و قاعده از طریق باورها، ارزشهای مشترک و سنتهای فرهنگی حاصل می‌شود. در مقابل، در نظام اجتماعی بر کنترل ابزاری و کارآمدی تأکید می‌شود. از دید هابرماس، عقلانیت علمی-فنی-اداری و نخبگانی به‌منزله مانع رشد ظرفیتهای اخلاقی، کنترل زندگی روزمره را در اختیار دارد و مسائل اخلاقی را به تصمیمهای مبتنی بر هزینه فایده برمی‌گرداند (سیدمن^۳، ۱۳۸۸). با تکیه بر این نظریه، تعامل و مشارکت برابر و آزاد میان دانش‌آموزان پیشنهاد می‌شود و روش تربیت به‌گونه‌ای است که مهارتهای اجتماعی لازم را به دانش‌آموزان برای ورود به جامعه می‌دهد (محمدي، ۱۳۹۲).

مبنای نظری روش‌شناسی پژوهش حاضر، الگوی ویلیام فرانکنا^۴ است. وی بر آن است که برای تحلیل فلسفه‌های هنجارین تربیت، «دو نوع گزاره لازم است: گزاره‌های هنجارین و گزاره‌های واقع‌نگر. گزاره‌های هنجارین که ماهیت تجویزی دارند، می‌توانند سه گونه داشته باشند: ۱. گزاره‌های مربوط به اهداف و اصول بنیادین تعلیم و تربیت؛ ۲. گزاره‌های مربوط به اینکه چه دانشها، مهارتها یا نگرشهایی را باید در جریان تربیت شکل داد [اهداف میانی]؛ ۳. گزاره‌های مربوط به روشها و شیوه‌های عملی که باید

1. Lazarsfeld
2. Miller
3. Seidman
4. William Frankena

در تعلیم و تربیت به کار گرفت. اما گزاره‌های واقع‌نگر [یا مبانی] ... خود، بر دو گونه‌اند: ۱. گزاره‌های مربوط به اینکه برای نائل شدن به اهداف بنیادین، برخوردار بودن از چه دانشها، مهارتها یا نگرشهایی لازم یا مناسب است؛ ۲. گزاره‌های مربوط به اینکه برای کسب دانشها، مهارتها یا نگرشهای معین، چه روشهایی مفید است» (فرانکنا، ۱۹۶۶، به نقل از باقری و همکاران، ۱۳۸۹). فرانکنا با نظر به این گزاره‌های پنجگانه و انواع ترکیب آنها، الگویی ارائه کرده است که از آن، سه نوع فلسفهٔ هنجارین تربیت به دست می‌آید. نوع اول، فلسفی تر است که در آن، ساختار فلسفهٔ تعلیم و تربیت، حاصل ترکیب گزاره‌های ۱ و ۲ هنجارین و گزاره ۱ واقع‌نگر است. نوع دوم، ماهیت فلسفی کمتری دارد. این نوع دارای ساختاری مرکب از گزاره‌های هنجارین ۲ و ۳ و گزارهٔ واقع‌نگر ۲ است. نوع سوم، صورتی کامل دارد که حاصل ترکیب دو نوع پیشین است (باقری و همکاران، ۱۳۸۹).

■ روش‌شناسی پژوهش

باقری و همکاران (۱۳۸۹) الگوی فرانکنا را بازسازی کرده‌اند. یکی از تغییرات عمدهٔ باقری در الگوی فرانکنا، فراهم آوردن جایگاهی برای اصول تربیت است. از دید وی، اصول تربیت را می‌توان از ترکیب گزارهٔ هنجارین شمارهٔ ۱ یا اهداف غایی و گزارهٔ واقع‌نگر شمارهٔ ۱ استنتاج کرد. علاوه بر این، از اصول تربیت به دست آمده همراه با گزارهٔ واقع‌نگر مصداقی شمارهٔ ۲ نیز می‌توان روشهای تربیت را استنتاج کرد. مطالعهٔ حاضر، از این الگوی بازسازی‌شده به مثابه روش پاسخ به سؤالهای پژوهشی بهره می‌گیرد. برای استنتاج اصول تربیت اجتماعی در هر سه رویکرد جامعه‌شناختی کلان‌نگر، خرد و تلفیقی، ابتدا، مقدمهٔ هنجارینی ارائه می‌شود که بیانگر اهداف غایی تربیت اجتماعی این رویکردهاست. این اهداف، به نهایی‌ترین وضعیت مطلوب تربیت اجتماعی اشاره دارد. پس از آن، در هر کدام، مقدمهٔ واقع‌نگر مطرح می‌شود. این مقدمهٔ توصیفی نشان می‌دهد که برای تحقق‌پذیری اهداف غایی، چه دانشها، نگرشها و مهارتهایی لازم است. مقدمهٔ واقع‌نگر، از نظریه‌ها و دیدگاههای سه رویکرد کلان‌نگر، خرد و تلفیقی گرفته می‌شود. از ترکیب این دو مقدمه، اصول تربیت اجتماعی رویکردهای سه‌گانه به دست می‌آید. اصول تربیت اجتماعی، بیانگر آن است که اگر تحقق‌پذیری اهداف غایی در گرو محتوای مقدمهٔ واقع‌نگر است، پس باید در فرایند تربیت اجتماعی دانش‌آموزان به آن توجه شود. پس از شناسایی اصول تربیت اجتماعی هر رویکرد، روشهای تربیت اجتماعی آنها استنتاج می‌شود. روشهای تربیت اجتماعی، نتیجهٔ استدلالی است که از دو مقدمهٔ هنجارین و واقع‌نگر تشکیل یافته است. مقدمهٔ هنجارین همان اصول تربیت اجتماعی است که در استدلال قبلی به دست آمده است، از این رو، مجدداً توضیح داده نمی‌شود. پس از آن، مقدمهٔ دوم، یعنی گزاره‌های واقع‌نگر ارائه می‌شود که برای تحقق‌پذیری اصول تربیت اجتماعی مربوط به هر رویکرد لازم‌اند. مقدمهٔ واقع‌نگر، از نظریه‌ها و دیدگاههای سه رویکرد کلان‌نگر، خرد و تلفیقی گرفته می‌شود و زمینه را برای استنباط شیوه‌های مؤثر تحقق اصول تربیت اجتماعی هر رویکرد فراهم می‌آورد. از ترکیب این دو مقدمه، روشهای تربیت اجتماعی

رویکردهای سه‌گانه به‌دست می‌آید. روشهای تربیت اجتماعی، ماهیت هنجارین دارند به‌این‌معنا که اگر تحقق‌پذیری اصول تربیت اجتماعی در گرو محتوای مقدمه واقع‌نگر روش‌شناختی است، پس باید در فرایند تربیت اجتماعی دانش‌آموزان به آن توجه شود. نکته اساسی این است که در فرایند هر دو استدلال، رابطه منطقی میان نتایج هر استدلال با مقدمات هنجارین و واقع‌نگر در نظر گرفته می‌شود. علاوه بر این، در مقدمه‌های واقع‌نگر رویکرد کلان‌نگر بر اندیشه‌های دور‌کیم و پارسونز، در رویکرد خرد بر اندیشه‌های مکتب کنش متقابل نمادین و دیویی و در رویکرد تلفیقی بر نظریه کنش ارتباطی هابرماس تأکید شده است.

■ یافته‌های پژوهش

بررسی سؤال اول: اصول و روشهای تربیت اجتماعی از منظر رویکرد جامعه‌شناختی کلان‌نگر

در این بخش، ابتدا به اصول تربیت اجتماعی رویکرد کلان‌نگر سپس به روشهای تربیت اجتماعی این رویکرد پرداخته می‌شود.

● اصول تربیت اجتماعی

اصول تربیت اجتماعی کلان‌نگر، قواعدی عام هستند که با توجه به مبانی جامعه‌شناختی کلان‌نگر استنتاج شده‌اند. این اصول، حاصل استدلالی مرکب از اهداف غایی تربیت اجتماعی کلان‌نگر و گزاره‌های واقع‌نگر است.

● اهداف غایی

۱. پرورش فضیلت‌های اجتماعی

در رویکرد کلان‌نگر، وضعیت اجتماعی افراد، در اجتماعی بودن آنها، امری اساسی تلقی می‌شود و چون وضعیت اجتماعی حاوی فضیلت‌های اجتماعی است، از این‌رو، تربیت اجتماعی باید معطوف به پرورش فضیلت‌های اجتماعی باشد؛ فضایی چون نظم و انضباط اخلاقی، پیروی از قانون، پرهیز از خود-محوری و ارزش قائل بودن برای همبستگی اجتماعی، از این‌نوع‌اند. این فضایل اجتماعی برای تشکیل ساختار اجتماعی بسیار اهمیت دارند. هر نظام اجتماعی دارای نوعی همبستگی کارکردی است که به آن هویت معینی می‌بخشد (لازارسفلد، ۱۳۷۶). بنابراین، نهاد تربیت با پرورش این فضایل اجتماعی می‌تواند به بقای ساختار اجتماعی کمک کند.

۲. ایجاد انسجام و یکپارچگی گروهی

از دید دور‌کیم، انسان، از یک‌سو، دارای بدن، میل و خودخواهی است و از سویی دیگر، شخصیتی اجتماعی دارد. وی معتقد است که انسان تنها در بُعد اجتماعی کامل می‌شود.

هر جامعه دارای اخلاقیات و قواعد اخلاقی ویژه‌ای است. افراد جامعه با پیروی از این قواعد اخلاقی، به انسجام و یکپارچگی گروهی دست پیدا می‌کنند. این انسجام زمانی به وجود می‌آید که عواطف و کنشهای افراد از طریق هنجارهای فرهنگی و اخلاقی هماهنگ شده‌اند. وی بر این باور است که این هنجارها در افراد جامعه درونی می‌شوند و به مثابه مرجعی اخلاقی در مورد بایدها و نبایدهای اجتماعی عمل می‌کنند (ترنر و بیگلسی، ۱۳۸۴؛ کوزر^۱، ۱۳۹۲). دورکیم اعتقاد دارد هدف آموزش و پرورش، کسب انسجام و یکپارچگی گروهی است که خود در هر جامعه و با توجه به ساختارهای حاکم بر آن جامعه متفاوت است (دورکیم، ۱۹۵۶).

● گزاره‌های واقع‌نگر

مبنا: سازگاری اجتماعی

کلان‌نگرها بر این باورند که فرد به زمینه‌های تاریخی و اجتماعی جامعه‌اش تعلق دارد. جامعه بر فرد تأثیر همه‌جانبه دارد و فرد هویتش را از آن به‌دست می‌آورد (کوهن^۲، ۲۰۰۰). کارکردهای اجتماعی، عامل سازگاری اجتماعی فردند. فرد به سبب کارکردهای اجتماعی خود سازگاری اجتماعی را تعیین می‌کند. علاوه بر این، مرتون^۳ معتقد است که پذیرش جمعی اهداف و ابزارهای نیل به آنها، عامل مهم سازگاری اجتماعی فرد هستند (توسلی، ۱۳۸۵).

اصل ۱: تقویت روح همنوایی و همدردی با اعضای جامعه

اصل تقویت روح همنوایی و همدردی با اعضای جامعه مبتنی بر مبنای سازگاری اجتماعی و قاعده‌ای کلی برای تحقق بخشیدن به هدف غایی پرورش فضیلت‌های اجتماعی است. بر مبنای این اصل، مربیان باید تقویت روحیه شوق ورزیدن نسبت به یکدیگر و شریک دانستن خود با شادیا و غمهای دیگران را سرلوحه فعالیت‌های تربیتی‌شان قرار دهند. کمک به دانش‌آموزان به‌منظور تقویت روحیه جمعی، مهم تلقی کردن دیگران، پرهیز از خود-محوری، تقویت روحیه ایثار و فداکاری و پرورش احساس نظم اخلاقی از موارد مهم این اصل جهت تحقق هدف غایی پرورش فضیلت‌های اجتماعی است (جاویدی کلاته جعفرآبادی و مهرمحمدی، ۱۳۸۴).

اصل ۲: همکاری و مشارکت جمعی در فعالیت‌های تربیتی

اصل همکاری و مشارکت جمعی در فعالیت‌های تربیتی مبتنی بر مبنای سازگاری اجتماعی و قاعده‌ای کلی برای تحقق بخشیدن به هدف غایی ایجاد انسجام و یکپارچگی گروهی است. براساس این اصل، در نظام تربیتی باید تقویت روح همکاری، شرکت دادن فراگیران در فعالیت‌های تربیتی، اقدام به کارهای گروهی و مشارکت جمعی دانش‌آموزان در تهیه برنامه، انتخاب مواد درسی، تعیین اهداف

1. Coser
2. Cohen
3. Merton

تربیتی و ارزشیابی پیشرفت شاگردان مورد توجه قرار گیرد (شریعتمداری، ۱۳۷۸). همکاری و مشارکت جمعی دانش‌آموزان، به سازگاری اجتماعی و ایجاد انسجام و یکپارچگی گروهی آنها کمک می‌کند.

● روشهای تربیت اجتماعی

روشهای تربیت اجتماعی کلان‌نگر، به قواعد خاص تربیت اجتماعی کلان‌نگر اشاره دارند که برای تحقق بخشیدن به اصول تربیت اجتماعی این رویکرد ضروری‌اند. این روشها، از استدلال قیاسی مرکب از اصول تربیت اجتماعی بالا و گزاره واقع‌نگر برگرفته از رویکرد جامعه‌شناختی کلان‌نگر به‌دست می‌آیند.

● گزاره‌های واقع‌نگر

مبنا: تعادل و وحدت اجتماعی

دیدگاه کلان‌نگر، نظام اجتماعی را دارای تعادل می‌داند و به وحدت اجتماعی اهمیت می‌دهد. در این دیدگاه، کل و اجزای آن درهم آمیخته، به هویت واحدی دست پیدا می‌کنند. این نگرش برای الگوسازی، بسیار مناسب است، زیرا قدرت اصلی یک نظریه الگویی در این است که نشان دهد چگونه در یک کل، اجزای مختلف به‌صورت ظریفی با هم پیوند یافته‌اند (ربانی و همکاران، ۱۳۸۸). از دید مرتون، تعادل و وحدت اجتماعی تا اندازه‌ی زیادی ریشه در هماهنگی میان اهداف و وسایل اجتماعی دارد (توسلی، ۱۳۸۵).

روش ۱: کاوشگری گروهی

کاوشگری گروهی مبتنی بر مبنای تعادل و وحدت اجتماعی و ناظر به تحقق اصل همکاری و مشارکت جمعی در فعالیتهای تربیتی است. در این روش، با تقسیم دانش‌آموزان به گروههای یادگیری، زمینه‌ای فراهم می‌شود که آنها با تکیه بر استدلال و گفت‌وگوی جمعی، به هدف حل مسائل اجتماعی نائل آیند. هرگاه دانش‌آموزان به‌صورت جمعی در پی هدفی مشترک باشند، آنها تعادل و وحدت اجتماعی را تجربه می‌کنند. از آنجا که در این روش، تشریک مساعی وجود دارد، دانش‌آموزان از هم می‌آموزند و روحیه اجتماعی آنان تقویت می‌شود (جاویدی کلاته جعفرآبادی و مهرمحمدي، ۱۳۸۴).

روش ۲: گفت‌وگو

روش گفت‌وگو، مبتنی بر مبنای تعادل و وحدت اجتماعی و ناظر به تحقق اصل تقویت روح همنوایی و همدردی با اعضای جامعه است. در این روش، معلمان باید به‌جای تک‌گویی، از گفت‌وگو حمایت کنند. هنگام گفت‌وگو، علاوه بر رشد مهارت شناختی، مهارتهای اجتماعی و عاطفی دانش‌آموزان نیز تقویت می‌شود. این فعالیت، احساس همدلی، درک متقابل و رضایت جمعی را به آنها می‌بخشد و از این طریق، تعادل و وحدت اجتماعی را نیز تجربه می‌کنند (محمدي، ۱۳۹۲).

بررسی سؤال دوم: اصول و روشهای تربیت اجتماعی از منظر رویکرد جامعه‌شناختی خردنگر

در این بخش ابتدا به اصول تربیت اجتماعی رویکرد خردنگر سپس به روشهای تربیت اجتماعی این رویکرد پرداخته می‌شود

● اصول تربیت اجتماعی

اصول تربیت اجتماعی خردنگر، قواعد عام تربیت اجتماعی هستند که با نظر به مبانی جامعه‌شناختی خردنگر استنتاج شده‌اند. این اصول، حاصل استدلالی مرکب از اهداف غایی تربیت اجتماعی خردنگر و گزاره‌های واقع‌نگر است.

● اهداف غایی

۱. پرورش متریبان مستقل و آزاد

اگر خوشبختی در گرو اصالت فرد و حفظ حقوق فردی است، پس برای تحقق‌پذیری آن، باید روحیه استقلال و آزادی‌خواهی را در دانش‌آموزان پرورش داد. معنای استقلال آن است که زندگی هر فرد به خود او تعلق دارد (وینچ^۱، ۲۰۰۲). اهمیت استقلال از آن‌روست که در تربیت اجتماعی از اعمال هرگونه محدودیت و فشار بر ذهن و جسم افراد پرهیز شود تا همه بتوانند مواد ذهنی را از تجربه‌های مشترک جامعه دریافت کنند و هرکس به‌طور مستقل این مواد را با هم بیامیزد و به‌صورت اندیشه درآورد (دیویی، ۱۳۳۹).

۲. پرورش قوه عقلانی دانش‌آموزان

اگر خوشبختی در گرو اصالت فرد است و آن نیز با تعقل به‌دست آید، پس باید قوه عقلانی را در دانش‌آموزان پرورش داد. اساس ماهیت انسان را قدرت عقلانی او تشکیل می‌دهد و عقل، سنگ محک حقیقت محسوب می‌شود. در این بینش، قدرت خرد آدمی برای حل مشکلات با ابداع راه حل و بهبود زندگی، عامل اساسی است. قدرت تعقل ابزاری نیرومند برای بازسازی زندگی فرد محسوب می‌شود (گوتک، ۱۳۸۰).

● گزاره‌های واقع‌نگر

مبنای ۱: حقوق فردی

در دیدگاه خردنگر، انگاره اساسی مربوط به اجتماعی بودن آدمی در مفاهیمی چون قرارداد اجتماعی، دموکراسی و مشارکت آشکار می‌شود. قرارداد اجتماعی، حاکی از آن است که حیات اجتماعی، حاصل توافق افراد برای تأمین بهتر نیازها و حقوق آنهاست. همچنین تأکید بر دموکراسی و

1. Winch

مشارکت، نشانگر جایگاه حقوق فردی در این انگاره اجتماعی است. در دموکراسی، علایق و ترجیحات فردی بر علایق جمعی، رجحان می‌یابد و در تعارض میان حقوق جمعی و فردی، حقوق فردی اولویت پیدا می‌کند (باقری، ۱۳۸۸).

مبنای ۲: عقل‌ورزی

عقل‌ورزی می‌آموزد که چون همه انسانها برابر و مستقل‌اند، هیچ‌کس اجازه ندارد به زندگی، تندرستی، آزادی و مالکیت دیگری صدمه‌ای وارد سازد (دوستداری، ۱۳۹۳). علاوه بر این، عقل‌ورزی در فرایند کنش متقابل اجتماعی، به تفسیر نمادهای اجتماعی کمک می‌کند، انتخاب و تصمیمهای شخصی را ممکن می‌سازد و مشارکت اجتماعی را تسهیل می‌نماید.

اصل ۱: پرورش هویت فردی متربیان

این اصل ناظر بر مبنای حقوق فردی و هدف‌گذاری پرورش متربیان مستقل و آزاد است. لاک معتقد است با هر شاگرد همچون فردی متمایز از دیگران رفتار شود و روش مناسب برای تربیت او با کمال دقت تعیین گردد (شکوهی، ۱۳۸۲). براساس این اصل، نظام تربیت باید همواره برای دانش‌آموزان محیطی فراهم کند که فردیت آنها موردتوجه قرارگیرد و خواسته‌های افراد قربانی ارزشهای اجتماعی نشود.

اصل ۲: توجه به آزادی کامل افراد در فرایند آموزش و پرورش

این اصل ناظر بر مبنای حقوق فردی و هدف‌گذاری پرورش متربیان مستقل و آزاد است. در این رویکرد، آزادی افراد مجال بروز می‌یابد و امکان مشارکت همگانی در رویارویی با مسائل اجتماعی نیز فراهم می‌شود (باقری، ۱۳۷۹). براساس این اصل، تربیت اجتماعی باید زمینه مناسب را برای آزادی عقیده، بیان و عمل دانش‌آموزان فراهم آورد و از هرگونه سرکوب یا تحمیل پرهیز کند.

اصل ۳: فراهم آوردن فرصت و زمینه‌هایی برای پرورش قدرت عقلانی

این اصل ناظر بر مبنای عقل‌ورزی و هدف‌گذاری پرورش قوه عقلانی دانش‌آموزان است. طبق این اصل، اگر عقل‌ورزی، وسیله‌ای برای پرورش قدرت عقلانی دانش‌آموزان باشد، این امر تحقق پیدا نخواهد کرد، مگر اینکه زمینه‌های عقل‌ورزی برای آنها فراهم باشد. مهیاکردن چنین فرصتی، دانش‌آموزان را از جزمیت، تعصب و خرافه رها می‌سازد.

● روشهای تربیت اجتماعی

روشهای تربیت اجتماعی خردنگر، به قواعد خاص تربیت اجتماعی خردنگر اشاره دارند که برای تحقق بخشیدن به اصول تربیت اجتماعی این رویکرد ضروری‌اند. این روشها، از استدلال قیاسی مرکب از اصول تربیت اجتماعی بالا و گزاره واقع‌نگر برگرفته از رویکرد جامعه‌شناختی خردنگر به‌دست می‌آیند.

● گزاره‌های واقع‌نگر

مبنا: کثرت‌گرایی

یکی از مبانی اصلی رویکرد خردنگر، کثرت‌گرایی است. به نظر گاتمن، کثرت‌گرایی با دو دسته از ارزش‌ها محدود می‌شود. نخست، پرهیز از به رنج افکندن دیگران، دوم، اجتناب از تجاوز به حقوق دیگران. بر اساس این رویکرد، لازمه کثرت‌گرایی، به رسمیت شناختن کلیه گروه‌ها، انجمن‌ها و اجتماعات است. در جامعه کثرت‌گرا، همه عقاید و ارزش‌ها اجازه حضور پیدا می‌کنند (جاویدی کلاته جعفرآبادی و مهرمحمدی، ۱۳۸۴).

روش ۱: ایضاح ارزش‌ها

روش ایضاح ارزش‌ها مبتنی بر مبانی کثرت‌گرایی و ناظر به تحقق دو اصل پرورش هویت فردی دانش‌آموزان و فراهم آوردن فرصت و زمینه‌هایی برای پرورش قدرت عقلانی است. در این روش، ایضاح ارزش‌ها، جایگزین تلقین ارزش‌ها می‌شود. بر این اساس، هیچ‌کسی مجموعه‌ای از ارزش‌های درست را در اختیار ندارد تا آنها را بر دیگران تحمیل کند. هر دانش‌آموز می‌تواند از ارزشگذاری خاص خود برخوردار باشد که این امر به پرورش هویت فردی آنها نیز کمک می‌کند.

روش ۲: پروژه

روش پروژه مبتنی بر مبانی کثرت‌گرایی و ناظر به تحقق اصل توجه به آزادی کامل افراد در فرایند آموزش و پرورش است. این روش بر کنکاش فردی در باب مسائل اساسی استوار است. روش پروژه، پرهیز از روش‌های مکانیکی را در دستور کار خود قرار می‌دهد. از آنجاکه در پروژه هر دانش‌آموزی مواجهه‌های فردی با مسائل و تلاش برای حل آنها دارد، روش مناسبی برای تجربه آزادی و انتخابگری اوست.

بررسی سؤال سوم: اصول و روش‌های تربیت اجتماعی از منظر رویکرد جامعه‌شناختی

تلفیقی

در این بخش، ابتدا به اصول تربیت اجتماعی رویکرد تلفیقی سپس به روش‌های تربیت اجتماعی این رویکرد پرداخته می‌شود.

● اصول تربیت اجتماعی

اصول تربیت اجتماعی تلفیقی، قواعد عام تربیت اجتماعی هستند که با نظر به مبانی جامعه‌شناختی تلفیقی استنتاج شده‌اند. این اصول، حاصل استدلالی مرکب از اهداف غایی تربیت اجتماعی تلفیقی و گزاره‌های واقع‌نگر است.

● اهداف غايي

۱. پرورش روحیه مفاهمه

اگر خوشبختی در گرو ایجاد تعادل میان ترجیهای فردی و جمعی است، پس برای فراهم آوردن آن، تربیت اجتماعی باید در پی پرورش روحیه مفاهمه در مترین باشد. در نظر هابرماس، توانایی فرد در ایجاد مفاهمه، میزان عقلانیت ارتباطی نهفته در او را نشان می‌دهد. این ایده ممکن است در نگاه اول، ایده‌ای فراروایتی به نظر آید که عقل، راه‌حل نهایی همه معضلات بشری است و پست مدرنیستها بر آن نقد وارد کرده‌اند. در نگاه هابرماس، عقل ابزاری نه تنها یک گفتگوی درست را شکل نمی‌دهد، بلکه باید از ورود آن به مناسبات انسانی نیز جلوگیری کرد. تأکیدی که هابرماس بر عقل ارتباطی دارد، برای آن است که نشان دهد علایق و قدرت استدلال افراد تعیین کننده باشد نه میزان تسلط و برتری جایگاهی، اقتصادی و غیره. بر این اساس، دستیابی به تفاهم نیازمند بهره‌گیری از عقلانیت ارتباطی است (مورفی و بامبر، ۲۰۱۲).

۲. پرورش عاملیت انسانی

رسالت زیستی آدمی این است که بر جهان خود عمل کند، آن را دگرگون سازد و به‌سوی امکانات تازه یک زندگی فردی و جمعی غنی‌تر پیش برود. البته این گفته به‌منزله شعار اومانیزستی نیست، بلکه منظور آن است که عاملیتی برای انسان متصور شده است که او را محدود به ساختار نمی‌کند. انسانها از فعالیت خود و جهانی که در آن قرار دارند آگاه‌اند و از این‌روست که هابرماس می‌خواهد همه افراد را در حوزه عمومی و در شکل گرفتن افکار عمومی مؤثر بگرداند. از دید هابرماس، عاملیت انسانی به‌گونه‌ای تصور شده است که شخص در جامعه دارای شرایطی برابر با تمام افراد در تصمیم‌گیری و اتخاذ راه‌حل باشد. وی در این باره می‌گوید «افراد باید این احساس را داشته باشند که مفاهمه حاصل اراده آزاد آنان است» (هابرماس، ۱۳۸۴).

● گزاره‌های واقع‌نگر

مبنای ۱: عقل ارتباطی و نقش احیاگر آن در مفاهمه بشری

به اعتقاد هابرماس، انسان مدرن به‌دلیل گسترش و نفوذ عقلانیت ابزاری دچار شیء‌وارگی، فردستیزی و از خودبیگانگی شده است. با وجود این، به باور او انسان قادر است، جهانی انسانی‌تر را خلق کند که در آن تنش و خشونت جای خود را به مفاهمه و صلح بدهد. این جایگزینی مرهون گونه‌ای دیگر از عقل است که هابرماس آن را عقل ارتباطی می‌نامد (مورفی و بامبر، ۲۰۱۲).

مبنای ۲: در هم تنیدگی حقوق و آزادیهای فردی و جمعی

مفاهیمی چون کنش ارتباطی، عقلانیت ارتباطی، زیست‌جهان و اخلاق گفتگویی نشان از آن دارد

که هابرماس تربیت اخلاقی و اجتماعی را در دو سطح فردی و اجتماعی مدنظر قرار داده است. دیدگاه هابرماس در زمینه کنش ارتباطی با نقد دیدگاه پست مدرن‌ها شکل گرفته است. هابرماس معتقد است که خلاف تصور پست مدرنیست‌ها دوران مدرن تمام نشده است، زیرا فقط بخشی از عقل (عقل ابزاری) به ظهور رسیده و بخش اصلی آن، که عقلانیت ارتباطی نام دارد آشکار نشده است. پروژه فکری هابرماس آن است که عقلانیت ارتباطی باید بر مناسبات بشری حاکم شود. هر کدام از این مفاهیم در شرایطی عملی می‌شود که حداقل دو کنشگر وجود داشته باشند و کنش ارتباطی است که اخلاق را معنادار می‌سازد، اما در همین محمل زمانی می‌توان وارد شد که حقوق و آزادیهای فردی نیز رعایت شود.

اصل ۱: شناخت و توجه به علایق و نیازهای فراگیران

اصل شناخت و توجه به علایق و نیازهای فراگیران مبتنی بر مبنای عقل ارتباطی و نقش احیاگر آن در راستای مفاهیم بشری و قاعده‌ای کلی برای تحقق بخشیدن به هدف غایی پرورش روحیه مفاهیم است. معلم زمانی می‌تواند به علایق و نیازهای فراگیران شناخت داشته باشد که با آنها ارتباط برقرار کند و عقلانیت ارتباطی را به رسمیت بشناسد. هرگاه این شناخت به وجود بیاید، روح مفاهیم نیز رشد خواهد کرد. هابرماس از سه نوع علاقه و دانش بشری نام می‌برد که در این میان، علایق رهایی‌بخشی و تفسیری به دلیل تأکید بر رهایی فرد و جامعه از سلطه بسیار اهمیت دارد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۳).

اصل ۲: فراهم آوردن زمینه ارتباط برای خلق هنجارهای اجتماعی

اصل فراهم آوردن زمینه ارتباط برای خلق هنجارهای اجتماعی مبتنی بر درهم تنیدگی حقوق و آزادیهای فردی و جمعی و قاعده‌ای کلی برای تحقق بخشیدن به هدف غایی پرورش عاملیت انسانی است. از نظر هابرماس، اعتبار هنجارهای اجتماعی زمانی محقق خواهد شد که مشارکت‌کنندگان بتوانند خود را پدیدآورنده هنجارهایی بدانند که باید از آنها تبعیت کنند. وی بر این باور است که شرطهای موفقیت ارتباط زبانی، شرطهای اخلاقی‌اند. «در ارتباط زبانی میان انسانها، موضوع فقط بر سر تبادل اطلاعات و حل مشکلات مشخص نیست، بلکه برای دستیابی به توافقاتی بر سر اعتبار قواعد و هنجارها در زمینه گفتار و کردار است» (کاتاسوس و جوهد، ۲۰۰۷).

● روشهای تربیت اجتماعی

روشهای تربیت اجتماعی، به قواعد خاص تربیت اجتماعی تلفیقی اشاره دارند که برای تحقق بخشیدن به اصول تربیت اجتماعی این رویکرد ضروری‌اند. این روشها، از استدلال قیاسی مرکب از اصول تربیت اجتماعی بالا و گزاره واقع‌نگر برگرفته از رویکرد جامعه‌شناختی تلفیقی به دست می‌آیند.

● گزاره‌های واقع‌نگر

مبنا: تبادل ایده‌ها، ارزشها و تجارب مشترک

در رویکرد تلفیقی، دانش‌آموزان با زمینه‌ها و علایق متفاوت از طریق تبادل ایده‌ها، ارزشها و تجارب مشترک به ساختن جامعه دموکراتیک مبادرت می‌ورزند. براین اساس، امکان اصلاح خود از طریق تعامل جمعی و برخورداری از روحیه همکاری برای حل مسائل عمومی مورد ترغیب قرار می‌گیرد. افراد با ملاک قرار دادن علایق جمعی، به اشتباهات و تناقضات فکری خویش پی برده و برای رفع آن می‌کوشند (جاویدی کلاته جعفرآبادی و مهرمحمدي، ۱۳۸۴).

روش ۱: پرورش مهارت‌های ارتباطی

روش پرورش مهارت‌های ارتباطی، مبتنی بر تبادل ایده‌ها، ارزشها و تجارب مشترک و ناظر به تحقق‌پذیری هر دو اصل تربیت اجتماعی رویکرد تلفیقی است. تبادل ایده‌ها، ارزشها و تجارب مشترک، بدون پرورش مهارت‌های ارتباطی امکان‌پذیر نیست. مهارت‌های ارتباطی نه تنها مهارت‌های زبانی بلکه مهارت‌های غیرزبانی چون مهارت‌های عاطفی، توانایی رمزگشایی و خودنظارتی را نیز شامل می‌شود. مهارت‌های دیگری که در پرورش آنها باید کوشش شود، عبارت‌اند از: گوش‌دگی، عدم اجبار، تسامح و گوش دادن فعالانه. معلم می‌تواند با ایجاد فضای گفتگویی مثبت و تمرین مداوم آن، این مهارت‌های ارتباطی را پرورش دهد (آزاد، ۱۳۸۷).

روش ۲: تعامل و مدارا

روش تعامل و مدارا، مبتنی بر تبادل ایده‌ها، ارزشها و تجارب مشترک و ناظر به تحقق‌پذیری هر دو اصل تربیت اجتماعی رویکرد تلفیقی است. کنش ارتباطی مبتنی بر تعامل است نه تحکم. کنشگران تربیتی باید در یک رابطه تعاملی به کنشگری بپردازند. هرگاه نظام آموزشی از ساختار تعاملی نابرابری برخوردار باشد، رفتارهای خودانگیخته دانش‌آموزان در آن خاموش می‌شود و همه فعالیت‌های آنها تابع فعالیت‌های آموزگار خواهد شد و اوست که تصمیم‌نهایی را می‌گیرد و دانش‌آموزان نمی‌توانند به صورت بین‌الذهانی و تفاهمی به نتیجه و تصمیمی برسند. از دید هابرماس، تعامل تابع پیروی از هنجارهای توافقی گروه است. این هنجارها و قواعد نه تنها جهت‌گیری درستی به تعامل می‌بخشند بلکه قدرت مدارا را در مشارکت‌کنندگان نیز افزایش می‌دهند (هابرماس، ۱۳۷۳).

برای اینکه از یافته‌های پژوهشی این مطالعه، تصویری روشن و جامع ارائه کرده باشیم، اصول و روشهای تربیت اجتماعی هر سه رویکرد به صورت با هم نگرانه در جدول شماره ۱ آورده شده است.

جدول ۱. با هم‌نگری یافته‌های پژوهش

رویکرد جامعه‌شناختی تلفیقی	رویکرد جامعه‌شناختی خرد	رویکرد جامعه‌شناختی کلان‌نگر	
اصل ۱: شناخت و توجه به علایق و نیازهای فراگیران	اصل ۱: پرورش هویت فردی متربیان	اصل ۱: همکاری و مشارکت جمعی در فعالیتهای تربیتی	اصول تربیت اجتماعی
اصل ۲: فراهم آوردن زمینه ارتباط برای خلق هنجارهای اجتماعی	اصل ۲: توجه به آزادی کامل افراد در فرایند آموزش و پرورش	اصل ۲: تقویت روح همنوایی و همدردی با اعضای جامعه	
اصل ۳: فراهم آوردن فرصت و زمینه‌هایی برای پرورش قدرت عقلانی			
روش ۱: پرورش مهارتهای ارتباطی	روش ۱: ایضاح ارزشها	روش ۱: کاوشگری گروهی	روشهای تربیت اجتماعی
روش ۲: تعامل و مدارا	روش ۲: پروژه	روش ۲: گفت‌وگو	

■ بحث و نتیجه‌گیری ■

یافته‌های مربوط به اصول و روشهای تربیت اجتماعی کلان‌نگر با نتایج پژوهش تاندی (۲۰۱۹) همسوست که در آن، دورکیم بر نقش تربیت اجتماعی در خلق احساس همبستگی اجتماعی دانش‌آموزان تأکید دارد. یکی از مزایای تربیت اجتماعی کلان‌نگر، همین ایجاد همبستگی اجتماعی است. مدارس با آموزش ارزشها و هنجارهای اخلاقی معین، به احساس همبستگی اجتماعی کمک می‌کنند. با وجود این، یکی از کاستیهای تربیت اجتماعی کلان‌نگر ریشه در ارزشها و هنجارهای مشترک اجتماعی دارد. اگرچه در هر جامعه می‌توان اشتراکات ارزشی و هنجاری را یافت اما افراد جامعه، نظامهای ارزشی متفاوتی نیز دارند. علاوه بر این، گروهها و طبقات اجتماعی نیز بنابه نظام ارزشی متفاوت، از هم متمایز و گاهی متعارض‌اند (شارع‌پور، ۱۳۹۰). بنابراین، نظام آموزشی چگونه می‌تواند به ارزشهای مشترک افراد جامعه دست پیدا کند؟ اگر نظام آموزشی تنها بر ارزشهای افراد یا گروههایی خاص تأکید کند و نتواند ارزشهای مشترک اجتماعی را انعکاس دهد، همبستگی اجتماعی چگونه به‌دست می‌آید؟ همچنین، یکی دیگر از کاستیهای تربیت اجتماعی کلان‌نگر، تأکید افراطی بر ساختار و نظام اجتماعی است. در این دیدگاه شخصیت فردی دانش‌آموزان مورد بی‌مهری قرار می‌گیرد و تنها براساس جایگاهی که در جامعه و مسئولیتهای اجتماعی دارند، تعریف می‌شوند.

یافته‌های مربوط به اصول و روشهای تربیت اجتماعی رویکرد خردنگر به‌ویژه در اصل پرورش هویت

فردی با نتایج مطالعه باقری و سجادیه (۱۳۸۴) همسوست. درحالی‌که تربیت اجتماعی رویکرد کلان‌نگر، به حفظ ساختار اجتماعی گرایش دارد، اصول و روشهای تربیت اجتماعی رویکرد خُرد، فردگرایانه است. علاوه بر این، پیش‌فرض بنیادی این رویکرد، کثرت‌گرایی ارزشی است. به‌خلاف تربیت اجتماعی کلان‌نگر که به انتقال دادن و تلقین ارزشهای اجتماعی معینی نظر دارد، اصول و روشهای تربیت اجتماعی خُرد، به تكثر ارزشها و تعیین‌ناپذیری آنها باور دارد، از این‌رو، مسئله کنکاش در باب ارزشها، ایضاح آنها و قضاوت‌های ارزشی فردی ضرورت و اهمیت پیدا می‌کند. یکی از مزایای تربیت اجتماعی خُردنگر، تأکید بر کنش متقابل اجتماعی است. این ایده در فضای کلاس به‌ویژه در رابطه معلم و دانش‌آموز و دانش‌آموزان باهمدیگر کاربرد بسیار دارد. در سایه تعامل اجتماعی است که دانش‌آموزان به جزئیات شخصیت همکلاسیهای خود پی می‌برند، معانی رفتارها و نمادهای به‌کاررفته دیگران را درک می‌کنند و الگوهای رفتاری حاکم بر فرایندهای اجتماعی جامعه خود را می‌فهمند (انواری، ۱۳۹۰). با وجود این، یکی از کاستیهای تربیت اجتماعی خُردنگر این است که همه معانی آدمی را حاصل کنش متقابل اجتماعی می‌داند. اگرچه قابل‌پذیرش است که در عرصه اجتماع، کنش متقابل، سازنده معانی است اما پاره‌ای از معانی به‌ویژه معانی هستی‌شناختی مستقل از روابط انسانها فهم‌پذیرند. افراد می‌توانند به‌شکل فردی و حتی دور از تعاملهای اجتماعی، غایت و معانی هستی را دریافت کنند. علاوه بر این، دیدگاه خُرد، در تأکید افراطی بر فرد، نقش ساختار و نظام اجتماعی در تَكون شخصیت فردی و حتی شکل‌گیری کنش متقابل را نادیده می‌گیرد (همان).

یافته‌های مربوط به اصول و روشهای تربیت اجتماعی رویکرد تلفیقی با نتایج مطالعه محمدی و همکاران (۱۳۹۳) همسوست، به‌ویژه در استنتاج اصولی چون مشارکت متقابل و مؤثر در تشکیل جامعه و روشهایی مانند پرورش مهارتهای ارتباطی برای برقراری ارتباط سالم از اندیشه هابرماس. اصول و روشهای تربیت اجتماعی رویکرد تلفیقی، نه ساختارگرا و نه فردگرا هستند، بلکه میان ترجیحات و اقتضائات جمعی و فردی، توازن برقرار می‌کنند. از آنجا که در رویکرد تلفیقی، عقلانیت ارتباطی، عامل ایجاد این نوع توازن به‌شمار می‌آید، در اصول و روشهای تربیت اجتماعی آن، ارتباط اجتماعی بسیار اهمیت پیدا می‌کند. بنابراین، تربیت اجتماعی تلفیقی باید آن دسته از مهارتهایی را تقویت کند که به فرایند ارتباط اجتماعی دانش‌آموزان کمک کند. معلم و دانش‌آموزان می‌توانند در دستیابی به معرفت تعامل داشته باشند و نیل به معرفت، انحصاری و تنها در اختیار معلم نیست (همان). نکته اساسی این است که تحقق‌پذیری برقراری ارتباط و تعامل اجتماعی دانش‌آموزان، مستلزم فراهم آوردن محیط آزاد است. از این‌رو، تربیت اجتماعی تلفیقی با تربیت اجتماعی خُردنگر در تأکید بر مسئله آزادی باهم قربت پیدا خواهند کرد. با وجود این، می‌توان گفت اشکال اساسی تربیت اجتماعی تلفیقی آن است که چون حقیقت را بین‌الادھانی در نظرمی‌گیرد، نسبیت‌گرایی شدید معرفتی به‌وجود خواهد آمد.

▲ پیشنهادهای پژوهش ▲

- پیشنهاد می‌شود که از اصول و روشهای تربیت اجتماعی هر سه رویکرد در انجام دادن پروژه‌های مشارکتی دانش‌آموزان و شیوه‌های پرورش تفکر نقاد و رشد خلاقیت آنان استفاده شود.
- پیشنهاد می‌شود که در کتابهای درسی، تمرینهای عملی تحت عنوان «گفت‌وگو کنید» به‌مثابه تکلیف کلاسی بیشتر مورد توجه قرار گیرند تا دانش‌آموزان با همیاری یکدیگر و معلمان به بحث و گفت‌وگوی انتقادی درباره آن بپردازند.
- پیشنهاد می‌شود که بخشی از فرایندهای تربیتی مدارس با توجه به مقتضیات اجتماعی و فرهنگی با استفاده از راهبردهای اخلاق گفت‌وگو صورت گیرد.

- آزاد، اسدالله. (۱۳۸۷). مفهوم اطلاعات و ارتباطات و میانکنش بین آنها. کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۱ (۲)، ۷-۲۴.
- افخمی اردکانی، محمدعلی. (۱۳۸۶). تبیین روش‌های تربیت اجتماعی در نهج‌البلاغه. پژوهش‌های نهج‌البلاغه، شماره ۲۱ و ۲۲، ۱۱-۳۹.
- انواری، محمدرضا. (۱۳۹۰). نقد و بررسی نظریه‌کنش متقابل نمادین. معرفت، ۲۰ (۸)، ۱۵۳-۱۷۱.
- باقری، خسرو. (۱۳۷۹). اصول تربیت اجتماعی در اندیشه امام علی (ع). روانشناسی و علوم تربیتی، ۴، ۳۸۳-۴۲۲.
- _____. (۱۳۸۵). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. جلد اول. تهران: انتشارات مدرسه.
- _____. (۱۳۸۸). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. جلد دوم. تهران: انتشارات مدرسه.
- باقری، خسرو و سجادی، نرگس. (۱۳۸۴). عاملیت آدمی از دیدگاه ریچارد رورتی و پیامدهای آن در تربیت اجتماعی. نوآوری‌های آموزشی، ۴ (۳)، ۱۱۱-۱۳۲.
- باقری، خسرو؛ سجادی، نرگس و توسلی، طیبه. (۱۳۸۹). رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بهشتی، سعید و افخمی اردکانی، محمدعلی. (۱۳۸۶). تبیین مبانی و اصول تربیت اجتماعی در نهج‌البلاغه. تربیت اسلامی، ۲ (۴)، ۷-۳۹.
- پناهی، علی‌احمد. (۱۳۹۵). تربیت اجتماعی با تأکید بر آموزه‌هایی تربیتی - روانشناختی. پژوهشهای اجتماعی اسلامی، ۲۲ (۴)، ۱۵۷-۱۸۳.
- ترنر، جان‌تان و بیگلی، لئونارد. (۱۳۸۴). پیدایش نظریه جامعه‌شناختی، ترجمه دکتر عبدالعلی لهسایی‌زاده. شیراز: نوید شیراز.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۵). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: سمت.
- جاویدی کلاته جعفرآبادی، طاهره و مهرمحمدی، محمود. (۱۳۸۴). رویکردی تطبیقی به دلالت‌های تربیتی نظریه‌های دموکراسی، چالش میان نظریه‌های لیبرال، جماعت‌گرا و تفاهمی. الهیات و معارف اسلامی (مطالعات اسلامی)، ۷۱، ۹-۶۳.
- دوستداری، روح‌الله. (۱۳۹۳). بررسی و نقد تطبیقی دیدگاه معرفت‌شناسانه جان لاک و شهید مطهری و دلالت‌های آن بر روی تربیت عقلانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- دیویی، جان. (۱۳۳۹). دموکراسی و آموزش و پرورش، ترجمه امیرحسین آریان‌پور. تهران: دانشسرای پسران تبریز.
- ربانی، رسول؛ نوروزی، رضاعلی و قادری، مهدی. (۱۳۸۸). تحلیلی بر اندیشه تربیتی فارابی و دورکیم. علوم انسانی دانشگاه امام حسین (ع)، ۱۷ (۷۸)، ۷۵-۱۰۱.
- رمضانی، فاطمه و حیدری، مسعود. (۱۳۹۱). روشهای تربیت اجتماعی کودک بر اساس قرآن و نهج‌البلاغه. پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۹ (۶)، ۱-۱۹.
- ریتزر، جورج. (۱۳۸۲). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر علمی.
- سیدمن، استیون. (۱۳۸۸). کشاکش آرا در جامعه‌شناسی، ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
- شارع پور، محمود. (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. تهران: سمت.
- شریعتمداری، علی. (۱۳۷۸). اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شکوهِ، غلامحسین. (۱۳۸۲). مبانی و اصول آموزش و پرورش. چاپ سوم. مشهد: آستان قدس رضوی، شرکت به نشر.
- قاسمی، سعیده؛ سجادی، سیدمهدی و ایمانی، محسن. (۱۳۹۴). تربیت اجتماعی زیبایی‌شناسانه، پارادایمی بدیل برای نظام تربیت اجتماعی جزم‌گرا. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۱ (۲)، ۱۶۵-۱۸۸.

- کاردان، علیمحمد. (۱۳۷۴). سیر آرای تربیتی در غرب. تهران: سمت.
- کرایب، ایان. (۱۳۸۵). نظریه اجتماعی مدرن، ترجمه عباس مخبر. تهران: آگه.
- کربلایی پازوکی، علی. (۱۳۸۷). روش‌های تربیت اجتماعی از منظر ملامحسن فیض کاشانی (ره). *روانشناسی تربیتی*، ۴ (۱۳)، ۱۵-۴۳.
- کوزر، لوئیس. (۱۳۹۲). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر علمی.
- گوتهک، جرال ال. (۱۳۸۰). *مکاتب فلسفی و آرای تربیتی*، ترجمه محمدجعفر پاک‌سرشت. تهران: سمت.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- لازارسفلد، پل. (۱۳۷۶). *بینش‌ها و گرایش‌های عمده در جامعه‌شناسی معاصر*، ترجمه و تدوین غلامعباس توسلی. تهران: امیرکبیر.
- محمدی، آزاد. (۱۳۹۲). *مبانی و اصول گفت‌وگو از نظر هابرماس و بررسی دلالت‌های آن در تربیت اجتماعی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- محمدی، آزاد؛ باقری نوع‌پرست، خسرو و زیباکلام، فاطمه. (۱۳۹۳). اصول و روش‌های تربیت اجتماعی مبتنی بر نظریه کنش ارتباطی هابرماس. *پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت*، ۴ (۲)، ۵-۲۸.
- میلر، جان. (۱۳۸۶). *نظریه‌های برنامه درسی*، ترجمه محمود مهرمحمدی. تهران: سمت.
- هابرماس، یورگن. (۱۳۷۳). علم و فناوری در مقام ایدئولوژی، ترجمه سید علی مرتضویان. *ارغنون*، ۱ (۱)، ۶۹-۹۲.
- _____. (۱۳۸۴). *نظریه کنش ارتباطی (ج ۱)*، ترجمه کمال پولادی، تهران: انتشارات روزنامه ایران.
- _____. (۱۳۸۴). *نظریه کنش ارتباطی (ج ۲)*، ترجمه کمال پولادی، تهران: انتشارات روزنامه ایران.

- Catasús, B., & Johed, G. (2007). Annual general meetings --rituals of closure or ideal speech situations? A dual analysis. *Scandinavian Journal of Management*, 23(2), 168-190.
- Cohen, A. J. (2000) Does Comunitarianism require individual independence? *The Journal of Ethics*, 4(3), 283-304.
- Durkheim, E. (1956). *Education and Sociology*. New York: The Free Press
- Murphy, M., & Bamber, J. (2012). Introduction: From Fromm to Lacan: Habermas and education in conversation. *Studies in Philosophy and Education*, 31(2), 103-107.
- Regmi, K. D. (2020). Social foundations of lifelong learning: A Habermasian perspective. *International Journal of Lifelong Education*, 30(2), 219-233.
- Tandi, S. (2019). Educational contribution of Emile Durkheim: A functional assessment. *Research Journal of Social Sciences*, 10(2), 146-156.
- Winch, C. (2002). Strong autonomy and education. *Educational Theory*, 52(1), 27-41.

Social Training Principles and Methods Based on Holistic, Reductionist, and Combined Sociological Approaches

© E. Eslaami, Ph.D.¹ © A. Mohammadi, Ph.D.² © N. Ahmadaabaadi Aaraani, Ph.D.³ © H. Rashidi, Ph.D.⁴

The identification of principles and methods of social training that are based on three sociological approaches of holistic, reductionist, and combinatory requires the combination of introductions and realistic descriptions of both the ultimate goals and methods in these three approaches. Using William K. Frankena's method of reconstructed practical comparison the following sets of principles and methods were drawn: Holistic principles of cooperation, group participation in training activities, creation of equal opportunities for all students, and strengthening the spirit of empathy with members of the society and methods such as group investigations; Reductionist principles of the development of students' personal identity, their freedom of choice throughout the educational process, and preparation of opportunities for the development of their wisdom as well as methods value clarification and doing personal projects; Combinatory principles of identification and attention to students' interests and needs, as well as preparation for creation of social norms, as well as methods like interaction and inquisitive confrontation.

Keywords: social training, principles of social training, methods of social training, holistic approach, reductionist approach, combinatory approach

Date Received: March 9, 2021

Date Accepted: Sept. 25, 2021

1. **Corresponding Author:** Associate Professor of Education, Islamic Azad University, Mahabad Branch, Iran.
E-mail: e.islami@iau-mahabad.ac.ir
2. Graduate of Doctoral Program in Philosophy of Education, University of Tehran, and Lecturer at Farhangian University.
E-mail: azadmohammadi67@ut.ac.ir
3. Elementary School teacher, Tehran.
E-mail: najmeh.ahmadabadi@gmail.com
4. High school teacher of economic sociology, Mahabad.
E-mail: hassanrashidi@gmail.com